

فهرست

دیاچه ۹

فصل اول: روزنه‌ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب ۱۲

ولادت ۱۳

کنیه و لقب‌ها ۱۳

مادر ۱۴

ازدواج ۱۷

فرزندان ۱۷

عمر شریف ۱۸

نصّ بر امامت ۱۹

فصل دوم: ویژگی‌های اخلاقی امام سجاد علیه السلام

عبادت ۲۴

نیایش ۲۵

گذشت و بردباری ۲۶

انفاق ۲۸

مهربانی ۳۱

۶۸	ب) مبارزه با غالیان
۶۹	ج) مبارزه با مشبهه
۷۰	د) مبارزه با صوفیان
۷۱	۵. مبارزه با علمای دریاری
۷۶	۶. بسط آموزه‌های اسلامی در سنگر دعا
۷۸	۷. تبیین حقوق اسلامی

فصل چهارم: مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام

۸۲	اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه
۸۳	عملکرد خلفا و برخوردهای سیاسی امام
۸۳	۱. خلافت یزید بن معاویه
۸۶	۲. خلافت عبدالله بن زبیر
۸۹	۳. خلافت معاویه بن یزید
۹۱	۴. خلافت مروان ابن حکم
۹۲	۵. خلافت عبدالملک بن مروان
۹۷	۶. خلافت ولید بن عبدالملک
۹۹	گسترش قیام‌ها و موضع‌گیری امام
۹۹	۱. قیام حرّه
۱۰۴	۲. قیام توّابین
۱۰۶	۳. قیام مختار

فصل پنجم: شهادت امام سجاد علیه السلام

۱۱۲	جنایتی هولناک
۱۱۳	وصایای امام
۱۱۵	خاک‌سپاری امام

فصل ششم: برگی از دفتر آفتاب

۱۱۸	سیره
-----	------

۳۱	نیکی به بردگان
۳۶	ارشاد
۳۷	امرار معاش

فصل سوم: مبارزات فرهنگی امام سجاد علیه السلام

۴۰	ترسیمی از اوضاع فرهنگی جامعه
۴۱	۱. گسترش فساد و خوش‌گذرانی
۴۳	۲. زاویه گرفتن مردم با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۵	۳. رفاه‌زدگی عمومی
۴۷	۴. توهین به شعائر و مظاهر اسلامی
۴۹	۵. انحرافات فکری و عقیدتی
۵۱	تلاش‌های فرهنگی امام سجاد <small>علیه السلام</small>

۵۱	۱. تبیین قرآن و سنت
۵۴	۲. مرجعیت دینی در پاسخگویی فقهی
۵۵	۳. تربیت شاگردان و نیروهای مستعد
۵۶	الف) جابر بن عبدالله انصاری
۵۷	ب) عامر بن واثله
۵۸	ج) ثابت بن ابی صفیه (ابو حمزه‌ی ثمالی)
۵۹	د) ابان بن تغلب
۶۰	ه) یحیی بن امّ الطویل
۶۱	و) سعید به جُبیر
۶۳	ز) رُشید هَجَری
۶۴	ح) ابو خالد کابلی
۶۵	ط) سعید بن مُسیّب
۶۶	۴. مبارزه با عقاید انحرافی
۶۶	الف) مبارزه با جبرگرایان

نصیحت امام	۱۱۸
سخن	۱۱۹
منفورترین مردم	۱۱۹
آزار دیگران	۱۱۹
حق چشم	۱۱۹
حق شکم	۱۱۹
حق نماز	۱۱۹
حق فرزند	۱۲۰
پرخوری	۱۲۰
ارزش خود	۱۲۰
قناعت	۱۲۰
هم‌نشینی با دروغگو	۱۲۰
مایه‌ی نجات	۱۲۰
عادت مؤمن	۱۲۱
کرامات	۱۲۱
گواهی حجرالاسود	۱۲۱
مستجاب‌الدعوه	۱۲۲
آزادی زندانی	۱۲۳
آگاهی از غیب	۱۲۴
نشان دادن بهشت	۱۲۵
نمایاندن باطن افراد	۱۲۵
پرسش	۱۲۸
کتاب‌نامه	۱۲۹

دیباچه

شاید تاریخ شیعه، هیچ دوره‌ای را به سختی دوران امامت علی بن الحسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام ندیده باشد. حکمرانان اموی و مروانی، سیاه‌ترین روزهای تاریخ را در این دوره رقم زدند و جنایت‌پیشه‌ترین حاکمان، بر بلاد اسلامی تسلط یافتند. چهره‌هایی چون یزید، عبیدالله، حجاج، مُصعب، شمر، عمرِ سعد، خولی، حرمله، مروان، عبدالملک و ولید، هشام و ...

وجود این همه جانی در یک دوره‌ی سی ساله، چه روزگار سیاهی را بر امام و شیعیان ایشان که رقم نزد. از این جهت این دوره، ویژگی خاص می‌یابد. در این بین، امام سجاد علیه السلام بود که باید بار همه‌ی مصائب خود، خاندان خود، شیعه و تاریخ شیعه را به دوش می‌کشید.

امام در چنین دوره‌ای به امامت رسید. روزگار، هرگز روی خوشی به ایشان و شیعیان‌شان نشان نداد. امامت ایشان با جان‌سوزترین روز در تاریخ شیعه، عاشورا، آغاز شد؛ با زخم‌های بی‌امان بر پیکره‌ی اسلام در

اثر قیام‌های گوناگون شیعیان و ظلم بی‌امان حاکمان تداوم یافت؛ و با شهادت ایشان، به پایان رسید.

عرصه‌ی زندگی و ارتباط با دیگران به قدری بر امام تنگ بود که امام، هیچ سلاحی برای مبارزه یا دفاع از خود، جز سلاح دعا نداشت. اما امام با اشک‌های طاغوت برکن خود، قیام عاشورا را احیا کرد و نگذاشت در دوره‌ای که مردم، اهل بیت رسول خدا ﷺ را فراموش کرده بودند، آتش این مصیبت در دل‌ها، به سردی بگراید و با سلاح اشک بر سجاده‌ی دعا، رسالت خویش را در رهبری امت رسول خدا ﷺ تداوم بخشید.

مجموعه‌ی حاضر، رهاوردی است از زندگی و ویژگی‌های اخلاقی امام و مبارزات فرهنگی و سیاسی ایشان که در پایان به رویداد شهادت آن امام همام پرداخته است. امید که درخور توجه یار سفر کرده‌ی کنعان آرزو، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد.

بمَنّه و کرمه

قم المقدسه - ابوالفضل هادی منش

ذی‌قعدة ۱۴۳۴ - مهر ۹۲

Hadimanesh1@gmail.com

فصل اول

روزنه‌ای به سوی آفتاب

ولادت

صبح پنج‌شنبه، پنجم شعبان، سال سی و هشت هجری بود که سید ساجدان و زینت عابدان به دنیا آمد.^۱

گرچه در این تاریخ نیز مثل بقیه‌ی تاریخ ولادات و وفیات، اختلاف نظر وجود دارد و برخی از مورخان، سال ولادت آن امام همام را، سال سی و پنج، یا سی و شش و حتی سی و هفت^۲ برخوانده‌اند. اما به نظر می‌رسد، همان نظر اول، درست‌تر باشد. آن بزرگوار در زادگاه آباء و اجدادی خود، حجاز و در شهر رسول‌خدا، مدینه^۳، دیده بر این دنیای خاکی گشود و خانه‌ی امام حسین علیه السلام با این مولود خجسته، غرق در شادی و سرور شد.

کنیه و لقب‌ها

کنیه، عبارت است از نامی که با اضافه کردن کلمه‌ی «أب» یا «أُم» به نام فرزند بزرگ فرد، تشکیل شود که از روی احترام، در بین عرب همواره از روزگار پیشین تاکنون، رواج جدی داشته است. و مخصوص در دوره‌ی اسلامی در جزیره‌ی العرب نیست.

کنیه‌ی امام سجاد علیه السلام، ابو الحسن^۴ یا ابو محمد^۵ بوده، البته کنیه‌های دیگری نیز برای ایشان ذکر شده است.^۶

۱. الاصول الکافی، ج ۲، ص ۳۶۸؛ الإرشاد، ج ۳، ص ۱۳۸؛ کشف الغمّة فی معرفة الائمّه، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۰۱؛ إعلام الوری، ص ۱۵۱.
۲. إعلام الوری، ص ۲۵۱؛ تذکرة الخواص، ص ۲۹.
۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۰۱؛ اعلام الوری، ص ۲۵۱.
۴. اعلام الوری، ص ۲۵۱؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۹۷؛ دلائل الإمامة، ص ۸۱.
۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۲۹.
۶. نک: الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۵۷.

شناسه‌ی آفتاب

نام: علی

کنیه: ابو الحسن

لقب‌های معروف: سجاد، زین العابدین، امین، زکی، سیدالمتقین، ذوالثغفات

نام پدر و مادر: امام حسین علیه السلام، حضرت شهربانو علیها السلام

زمان و مکان ولادت: پنجم شعبان المعظم سال ۳۸ هـ.ق - مدینه

زمان و مکان شهادت: دوازده محرم سال ۹۵ هـ.ق - مدینه

مدت امامت: ۳۴ سال

مرقد شریف: مدینه - قبرستان بقیع

خلفای معاصر:

۱. یزید بن معاویه (۶۱-۶۴ هـ.ق)

۲. عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳ هـ.ق)

۳. معاویه بن یزید (۶۴ هـ.ق - چند ماه)

۴. مروان بن حکم (۶۵ هـ.ق - چند ماه)

۵. عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ هـ.ق)

۶. ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۴ هـ.ق)

امام سجاد علیه السلام دارای لقب‌های برازنده و زیبنده‌ای چون: سجاد، زین العابدین، ذوالثَّنات، امین، زکی، سیدالمتقین، زین‌الصالحین و منارالقانتین بود.^۱ و الحق و الإنصاف که چه زیبا بر این القاب پسندیده، شهرت یافت. باید گفت این القاب نبودند که او را زینت دادند بلکه او بود که با رفتار شایسته‌ی خود، این القاب را زیور داد. چه این که عبادت، پیش از او فقط نامی در دفتر روزگار بود. او که ولادت یافت، عبادت نیز معنای دیگری یافت.

مادر امام

مردان بزرگ روزگار، مولود مادرانی بزرگ هستند. مادر حضرت، «شهر بانو دختر یزدگرد سوم پادشاه ایرانی^۲ یا لا اقل دختر یکی از اشراف زادگان ایرانی و سرداران سرزمین پارس بوده است. چه این که بعید نیست برخلاف آن‌چه مشهور است، او دختر یزدگرد سوم نباشد زیرا سن و سال این آخرین پادشاه ایرانی و نیز نام دختران او که نام شهربانو در بین ایشان دیده نمی‌شود، این احتمال را ضعیف می‌کند اما در این شکی نیست که شهربانو، دختر اشراف زاده‌ای ایرانی بود که در جنگ اعراب مسلمان و ایرانیان، اسیر می‌شود و او را به سرزمین اسلام می‌آورند و در نتیجه‌ی داستان اسارت، او سرانجام به عقد امام حسین علیه السلام درمی‌آید.

۱. نک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۸؛ اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ تذکرة الخواص، ص ۲۹۸؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۷۳؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۱؛ حلیة الأولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۳۳؛ شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۰، ص ۷۹.
۲. اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۳۰۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۰؛ دلائل‌الامامة، ص ۸۲.

در کیفیت این انتقال و اسارت، قیل و قال زیادی در تاریخ شده اما این حدیث شریف امیرالمؤمنین علی علیه السلام حائز اهمیت است که به امام حسین علیه السلام فرمود:

«حَتَفِظُ بِهَا وَأَحْسِنُ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ از او (شهر بانو) خوب محافظت کن و به او نیکی نمای که به زودی او برایت [فرزندی] به دنیا می‌آورد که بهترین اهل زمین است».^۱

بد نیست نگاهی به این رویداد نیز انداخته شود؛ چه این که مسلم است مادر ایشان، عرب نبوده و ایرانی بوده است. نوشته‌اند وقتی اسیران ایرانی را به مدینه آوردند، آنان را نزد عمر بن الخطاب، خلیفه‌ی دوم در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بردند. وقتی چشم شهربانو به جمعیت حاضر و خلیفه‌ی دوم افتاد - که چشم از او بر نمی‌داشتند - صورت خود را پوشاند و با ابراز تنفر از سرانجام کار خویش، به زبان فارسی، فریاد برآورد: «روزگارت سیاه باد ای هرمز!» عمر که به گواهی تاریخ، معمولاً زود از کوره در می‌رفت و در تعاملات اجتماعی، فردی کم‌طاقت بود، دست به تازیانه بُرد؛ به این گمان که آن دختر به او ناسزا گفته است. زیرا او فارسی بلد نبود و معنای سخن او را نفهمید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چشم بینای جامعه و دست توانای خدا، جلوی او را گرفت و ابتدا، پای‌بندی به سنت فراموش شده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در رفتار با اسیر - آن هم اسیری که دست او بسته است و پناهی ندارد - گوش زد فرمود و یادآور شد که اصلاً آن‌ها نباید اشراف زادگان را به همراه بردگان‌شان و سربازان و اسیران دیگر، به یک بند می‌کشیدند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹؛ اثبات‌الوصیة، ص ۱۴۵.

گویا این اسیران، جهت فروش بدان جا آورده شده بودند. بنابراین امام علی علیه السلام اشاره کرد که او را آزاد گذارید تا با هر یک از مسلمانان که می خواهد، ازدواج کند. در این بین حضرت شهربانو رضی الله عنهما، بهترین و صالح ترین بندهی خدا، حسین علیه السلام را برای تشکیل زندگی انتخاب کرد.^۱ برای شهربانو نام های زیادی از قبیل: شاه زنان، سلافه، غزاله، سلامه، خوله، شهرناز، حرار، ام سلمه، فاطمه و مریم نیز در کتب تاریخ و تراجم ذکر شده است.^۲

در هر حال، گفتنی ها و نوشتنی ها دربارهی این بانوی ارجمند پارسی، بسیار است. گذشته از بحث و بررسی در خصوص ازدواج او با امام حسین علیه السلام، بحث مهم دیگری دربارهی حضور او در واقعهی عاشورا وجود دارد. برخی تاریخ نگاران با تکلف، اصرار بر آن ورزیده اند که ثابت کنند: ایشان در کربلا حضور داشته و حتی در برخی از رویدادهای روز عاشورا و وداع امام حسین علیه السلام با اهل حرم، از او نام برده اند.^۳

حتی برخی از این فراتر رفته و نوشته اند که او پس از واقعهی عاشورا با مردی به نام زبید، ازدواج کرد و حتی صاحب فرزند هم شد^۴ که چنین ادعایی با معارف شیعه در خصوص ازدواج همسران امامان علیهم السلام، در تضاد است. اما تاریخ نگاران و حدیث نگاران شیعه از این تحلیل،

۱. نک: *دلائل الإمامة*، ص ۸۱. نخواستیم زیاد به این بحث ورود پیدا کنیم چه این که در این ماجرا، داستان پردازی های زیادی شده است که با توفقی کوتاه می توان به آن دست یافت. (مؤلف)
 ۲. بنگرید به: *اعلام الوری*، ص ۲۵۰؛ *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۱۰۲؛ *الطبقات الكبرى*، ج ۵، ص ۱۶۵؛ *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۰۳؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج ۴، ص ۳۸۶؛ *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۳۱۱.
 ۳. *الطبقات الكبرى*، ج ۵، ص ۲۱۱؛ *المعارف*، ص ۲۱۴؛ *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، ج ۲، ص ۴۳۰.
 ۴. *الطبقات الكبرى*، ج ۵، ص ۲۱۲؛ *المعارف*، ص ۲۱۴؛ *وفیات الأعیان*، ج ۲، ص ۴۳۲.

روی بر تافته و آورده اند که ایشان، هنگام ولادت امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت^۱ و هرگز کربلا و عاشورا را ندید و افزوده اند: امام سجاد علیه السلام در دامان دایه ای، پرورش یافت. البته نوشته اند این دایه، بعدها به ازدواج مردی به نام زبید درآمد^۲ که شاید، اشتباه پیشین، از این جا نشأت گرفته باشد.

ازدواج امام

امام سجاد علیه السلام پس از این که دورهی نوجوانی را پشت سر گذاشت با دختر عموی خود ام عبدالله، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام ازدواج کرد.^۳ وی زنی پاکدامن، دانشمند و ادب دوست بود که دو تیره از نسل امامت، نسل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را به هم پیوند داد. او ثمره ی تربیت های الهی امام مجتبی علیه السلام و برادرزاده ی امام حسین علیه السلام بود. بدین روی می توان گفت، این ازدواج، پیوندی ممتاز و نادر است.

فرزندان امام

مشهور است که ثمره ی ازدواج امام سجاد علیه السلام با دختر عموی خود، ام عبدالله بنت الحسن علیه السلام، تنها یک فرزند بود و آن هم امام باقر علیه السلام بعید نیست که چنین ازدواجی یگانه، باید هم مولودی یگانه به دنبال داشته باشد که کسی در این فخر، با آن مولود، شریک نباشد. اما به گواهی برخی اسناد تاریخی، امام فرزندان دیگری نیز از این بانوی نمونه داشتند که عبارت بودند از:

۱. *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۱۲۸؛ *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۶۲۹؛ *بحار الأنوار*، ج ۴۶، ص ۱۱.
 ۲. *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۶۲۹؛ *اثبات الوصیة*، ص ۱۴۰.
 ۳. *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۳۳۸؛ *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۳۲۲؛ *اعلام الوری*، ص ۲۵۹.

محمد، حسن، حسین، اکبر و عبدالله.^۱

اما نام فرزندان دیگری را در شمار خانواده ایشان در دیگر منابع، از ازدواج‌های دیگر امام می‌بینیم. مثل:

زید، عمر، عبدالرحمن، حسین، اصغر، خدیجه، فاطمه، علیّه و ام‌کلثوم.^۲ در میان این نام‌ها، زید از همه نام‌دارتر است. او همان کسی است که سال‌ها بعد، علیه دستگاه فاسد خلافت دست به قیام زد. او در سال ۷۹ ه. ق متولد شد و در سال ۱۳۲ ه. ق در عصر خلافت هشام بن عبدالملک خلیفه‌ی مروانی، هم‌زمان با دوران امام صادق علیه السلام سر بر قیام برداشت و پس از مبارزات مسلحانه علیه حکومت، به شهادت رسید.^۳

عمر شریف امام

امام سجاد علیه السلام پس از عمری مجاهدت در راه خدا و هدایت امت رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال ۹۵ ه. ق به شهادت رسید.^۴ البته برخی اسناد، سال ۵۹۴ یا ۶۹۶ یا حتی ۷۹۳ را هم ذکر کرده‌اند. ولی طبق نظر شیعه، همان سال ۹۵ درست است.

با احتساب تولد ایشان در سال ۳۷ ه. ق، سنّ شریف امام هنگام شهادت، پنجاه و هفت سال بوده است که سه سال آن در دوران امام

علی علیه السلام، ده سال آن در دوران امام حسن علیه السلام، ده سال دوران امام حسین علیه السلام و سی و چهار سال دوران امامت خود ایشان بوده است.^۱

نصّ بر امامت

نصّ بر امامت بدان معناست که امامی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله یا توسط امام قبل از خود، به امامت معرفی شده باشد.

از جابر بن عبدالله انصاری صحابی مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره روایت شده است:

روزی در محضر رسول خدا نشسته بودم که حسین علیه السلام که کودکی خردسال بود، آمد و در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله او را نوازش کرد و به من فرمود: ای جابر! به زودی فرزندم حسین علیه السلام دارای پسری می‌شود که علی علیه السلام نام دارد و هنگامی که روز قیامت برپا می‌شود، منادی‌ای ندا در می‌دهد: سرور عابدان برخیزید! در این هنگام او - علی بن الحسین علیه السلام - وارد محشر می‌شود.^۲

افزون بر روایت فوق، حدیث مشهور لوح، نیز، نصّی بر امامت ایشان است و آن حدیثی است که نام یکایک امامان علیهم السلام در آن ذکر شده و آن را نیز جابر بن عبدالله انصاری به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است.

در آن حدیث، جابر روایت می‌کند:

نزد فاطمه علیه السلام رفتم تا ولادت فرزندش حسین علیه السلام را به او تبریک بگویم. او لوحی را که در پارچه‌ای سبز و خوش‌بو پیچیده شده بود به

۱. أنساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۴۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۳۰۵؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۵۶.
۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۴؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۶؛ اعلام الوری، ص ۲۹۷؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۸۶.
۳. نک: بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۹؛ شرح او و قیامش در جلد‌های دیگر این مجموعه خواهد آمد.
۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ اعلام الوری، ص ۲۵۱؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۶۰؛ دلائل الإمامة، ص ۸۰.
۵. المعارف، ص ۲۱۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۰۰؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۸.
۶. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۶۲.
۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۰.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ اعلام الوری، ص ۲۵۲؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲. الصواعق المحرقة؛ ینابیع المودة، ص ۳۳۲؛ مطالب السؤل، ص ۸۱.

من نشان داد. از او پرسیدم: این چیست ای دختر رسول خدا ﷺ؟
فرمود: این لوحی است که پروردگار، آن را به پدرم هدیه فرموده است
که در آن، نام پدرم، شوهرم و فرزندانم که جانشینان اویند، در آن
آمده است. از فاطمه علیها السلام خواستم که آن را به من بدهد تا من،
نسخه‌ای از روی آن بنویسم و آن را داشته باشم ...

در آن نوشته شده بود: به نام خداوند مهرگستر مهرورز. این نوشته‌ای
از سوی پروردگار شکوه‌مند و آگاه است که به وسیله‌ی جبرئیل بر
محمد صلی الله علیه و آله - آخرین فرستاده‌ی خدا - نازل شده است ...

ای محمد! من تو را بر همه‌ی پیامبران، و جانشینان تو را بر
جانشینان ایشان برتری دادم. حسن علیه السلام را پس از پدرش، علی بن
ابی‌طالب علیه السلام، سرچشمه‌ی دانش خویش گردانیدم و حسین علیه السلام را
بهترین فرزند از نسل اولین و آخرین که امامت [بعد از برادرش] در
خاندان او قرار می‌گیرد. و [امام] پس از وی، فرزندش علی علیه السلام خواهد
بود ...^۱

فرمایش امام علی علیه السلام هنگام ازدواج شهربانو با امام حسین علیه السلام - که
شرح آن گذشت - نیز نصّ دیگری بر امامت امام سجاد علیه السلام است.

و اما امام حسین علیه السلام. ایشان نیز در رویداد عاشورا، پیش از شهادت،
در آخرین لحظات عمر شریف خود، نصّی بر امامت امام سجاد علیه السلام
داشتند. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

در روز عاشورا، امام حسین علیه السلام دختر خود فاطمه علیها السلام [کبری] را
فراخواند و دست‌نوشته‌ای را که پیچیده شده بود، به وی داد

به گونه‌ای که دیگران هم دیدند. علی بن الحسین علیه السلام در آن هنگام،
[به شدت] بیمار بود و همگان می‌پنداشتند او از دنیا خواهد رفت.
پس از واقعه [ی عاشورا] فاطمه علیها السلام آن دست‌نوشته را به علی بن
الحسین علیه السلام واگذار کرد که آن نوشته، هم‌اکنون نزد من است.

راوی می‌گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در آن دست‌نوشته، چه چیز آمده بود.^۱ امام
باقر علیه السلام فرمود: آن چه که مردم به آن نیاز دارند. به خدا قسم، همه‌ی حدود
و دستورهای الهی در آن نوشته، جمع است، حتی دیه‌ی رساندن خراش
به دیگری.^۲

این سپردن حدود مهم الهی به امام سجاد علیه السلام که بین امامان
دست به دست می‌گردد، در این روایت، نصّ مهمی بر امامت ایشان
است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱؛ اعلام الوری، ص ۲۶۱؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱،
ص ۲۸۴.

۱. اعلام الوری، ص ۲۵۲؛ الاصول الکافی، ج ۲، ص ۷۶.
۲. همان.

فصل دوم

ویژگی‌های اخلاقی امام سجاد علیه السلام